ایران

■ سال بیست و پنجم ■ شماره ۷۲۴۷ ■ یکشنبه ■ ۱۵ دی ۱۳۹۸ ■ ۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ ■ ۱۶ صفحه ■ قیمت درتهران و البرز ۲۰۰۰ تومان / دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان ■ Sunday ■ 5 Jan 2020 ■ ISSN1027-1449 Keytitle: IRAN (Tehran)

گفت‌وگو با محمد موسوی

ما شانس اول صعود به المپیک هستیم

در صفحه ورزشی بخوانید

گفت‌وگو با ابوالقاسم پوررضا استاد اقتصاد

سالمندان ایرانی هزینه‌ای به اقتصاد تحمیل نمی‌کنند

در صفحه اقتصادی بخوانید

سهامداران ۱۰۵ درصد بازدهی را فراموش نکنند!

بازار سهام بزودی متعادل می‌شود

در صفحه اقتصادی بخوانید

روحانی در دیدار وزیر خارجه قطر و تماس رئیس جمهور ترکیه:

امریکا هزینه سنگینی پرداخت خواهد کرد

رئیس جمهوری عصر دیروز در دیدار «احمدبن عبدالرحمن بن جاسم بن آل ثانی» معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه قطر، ضرورت رایزنی و هماهنگی‌های بیشتر دو کشور در شرایط کنونی را مورد تأکید قرار داد و گفت: امریکایی‌ها متأسفانه وارد مسیر جدیدی شده‌اند که می‌تواند برای منطقه بسیار خطرناک باشد لذا در چنین شرایطی رایزنی و هماهنگی نزدیک‌تر بین کشورهای دوست ضروری است.

۳

گزارش «ایران» از ترور شخصیت سردار پس از ترور فیزیکی در زبان امریکایی‌ها

هراس از «سلیمانی شهید»

- حمیدرضا آصفی:
امریکایی ها در توجیه ترور سلیمانی درمانده شده اند

۲

پیکر سردار شهید سلیمانی امروز در اهواز و مشهد و فردا در تهران و قم تشییع می‌شود

ایران داغدار آماده استقبال از سردار

۲

بدرقه باشکوه در عراق

شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع سردار شهید قاسم سلیمانی و ابومهدی مهندس با شعارهای مرگ بر امریکا و اسرائیل خواهان خروج نیروهای امریکایی از عراق شدند

۴

مهر

فهرست امیدها و ناامیدی‌های سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر

این اسامی را به خاطر بسپارید

۱۵

معاون سازمان بهزیستی در گفت و گو با «ایران» اعلام کرد

ممنوعیت پیمانکاران در به کارگیری کودکان زباله گرد

۵

بررسی لایحه سهمیه‌ها به کنکور ۹۹ نمی‌رسد

۵

گزارش منتشر شده از سوی محققان دانشگاه «بالتیمور» امریکا نشان می دهد

ضربه ۷۸ میلیارد دلاری اخبار جعلی به پیکر اقتصاد جهان

۱۳

مهم ترین نماد شهری انزلی قربانی تهرانیزه شدن

فانوس انزلی پیدا نیست

۶

دروغ پراکنی به قصد اقناع افکار عمومی

یادداشت

رامین مهمانپرست
سخنگوی پیشین وزارت خارجه

جنایت ایالات متحده امریکا در به شهادت رساندن سردار قاسم سلیمانی و همرزمانش، از جنایات کم نظیری است که دونالد ترامپ رئیس جمهوری این کشور مسئولیت آن را به طور رسمی برعهده گرفته است. او با قبول این مسئولیت، پذیرفته است که تروریسم دولتی در امریکا به طور کامل شکل گرفته و راه را برای شکایت از خود و همکارانش در دادگاه‌های بین‌المللی به دلیل وقوع چنین جنایت جنگی هموار می‌سازد. تنها چند ساعت پس از این حادثه تأسف‌بار، صحبت‌ها و اظهارات مقامات امریکایی قابل تأمل است. مایک پنس، معاون رئیس جمهوری امریکا در جمع خبرنگاران دلیل تصمیم به ترور سردار سلیمانی را حمایت از تروریست‌های ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دانست و مایک پمپئو وزیر خارجه این کشور هم، هدف از چنین اقدامی را از هم گسیختن «حمله‌ای قریب‌الوقوع» که می‌توانست به قیمت جان شهروندان امریکایی در خاورمیانه تمام شود، اعلام کرد.

این سخنان بدون معنا و مفهوم مقامات امریکایی، بی پایه‌ترین تحلیل و اعلام مواضعی است که تاکنون شنیده شده است. هیچ کس در دنیای امروز چنین حرف‌های بدون پشتوانه و بی‌محتوا را نخواهد پذیرفت. سردار سلیمانی بزرگترین علت خشم و ناراحتی آقای ترامپ و دوستانش بود. چرا که تروریست‌هایی که توسط ایالات متحده پرورش و حمایت و هدایت شده بودند تا در عراق و سوریه و سایر کشورهای منطقه منافع امریکایی‌ها را تأمین کنند، با رشادت‌های سردار سلیمانی و یارانشان سرکوب شدند. شهید سلیمانی بزرگترین سردار مقابله با تروریسم بود. با حملات تروریستی بامداد جمعه، دولت امریکا ثابت کرد که در اصول اخلاقی به قهقرا رسیده و شخصیتی به دور از اصول انسانی ریاست آن را به عهده گرفته که سیاست تروریسم دولتی را ترویج می کند. رئیس جمهوری امریکا بزرگترین خیانت را در حق مردم امریکا انجام داد و امنیت را از آنان در کشورهای مختلف ساقط کرد. زمانی که سربازان این کشور شخصیت‌های انسانی و محبوب ملت‌های دیگر را با دستور مستقیم رئیس جمهوری ترور می‌کنند به تحریک احساسات مردمی در نقاط مختلف جهان و بخصوص در منطقه دامن می‌زنند. از این رو باید هر لحظه انتظار پاسخ متقابل را داشته باشند. دونالد ترامپ به جای ایجاد صلح و ثبات در دنیای امروز، تنش و درگیری را در دستور کار قرار داده است. او باید تبعات این خودسری‌ها و جنایات را بپذیرد. خنده‌های کوتاه ایشان در آینده بسیار نزدیک به تلخی تبدیل خواهد شد. کمترین واکنش مردم در کشورهای منطقه اخراج مقامات و نیروهای امریکایی خواهد بود و این گام با اخراج امریکا از عراق شروع و در آینده نیز در سایر کشورها ادامه خواهد یافت.

امریکایی‌ها در این منطقه دیگر جایی نخواهند داشت و بعید است که دست به ریسک زده و بخواهند با تداوم حضور خود چنین خطری را برای خود بخرند. از نگاه مردم منطقه، دولت ایالات متحده تروریست است و چون کشورهای منطقه با تروریسم مخالف هستند همان رفتاری را با امریکایی‌ها خواهند کرد که با تروریست‌ها کرده‌اند.

برخلاف ادعاهای آنها در باره برنامه‌ریزی سردار سلیمانی جهت ضربه زدن به نیروهای امریکایی، هیچ سند و مدرکی ناظر بر اثبات ادعای خود مطرح نکرده‌اند. امریکایی‌ها از مدت‌ها پیش کینه سردار سلیمانی را بر دل داشتند. آنها به داعش دل بسته بودند و فکر می‌کردند که با کمک این گروه، می‌توانند حکومت‌های مردمی منطقه را به زانو دربیاورند و پس از آن هم جریان تروریستی وهابی را به سمت ایران بکشانند. آنها وقتی در نقشه‌های خود شکست خوردند عامل اصلی آن را در وجود فرماندهی نهادهای مردمی در منطقه و بویژه محبوبیتی دیدند که سردار سلیمانی داشت. دیر زمانی بود که آنان به دنبال ترور سردار بودند و حرف‌هایی که امروز از سوی امریکایی‌ها مطرح می‌شود، کاملاً بی‌اساس است. سردار سلیمانی نه تنها در پی هیچ عملیات تروریستی نه در عراق و نه در هیچ یک از کشورها نبود بلکه قهرمان ما در برابر تروریسم بوده است.

حال، مقامات امریکایی چاره‌ای جز دروغ پراکنی ندارند. آنها وقتی که دست به جنایت و ترور می‌زنند بنا به وحشتی که از تبعات آن دارند، مجبور هستند که برای اقناع افکار عمومی، مطالب بی‌اساسی را ارائه کنند تا جلوی نگرانی‌های آنان را بگیرند. چرا که تبعات تصمیمات وحشیانه و جنایتکارانه دولت امریکا را مردم این کشور خواهند پرداخت.

برای ایران، برای حاج قاسم

یادداشت

سیدشهاب‌الدین طباطبایی
فعال سیاسی اصلاح‌طلب

ترور شهید سپهبد قاسم سلیمانی به‌عنوان اقدامی تروریستی از جانب دولت ایالات متحده به سیاهه دشمنی‌های امریکا با مردم ایران اضافه شد. مورخان فارغ از دوستی یا دشمنی با ایران، جمعه سیزده دی ماه نودوهشت را چنین به یاد آیندگان می‌آورند: «حمله تروریستی امریکا به عالیرتبه‌ترین مقام رسمی نظامی ایران»، چنانچه کودتای ضد مردمی بیست‌وهشت مرداد سی‌ودو یا قتل عام دویست و نود مسافر بی‌گناه هواپیمای ایران‌ایر در سال شصت‌وهفت در تاریخ ثبت شده است.

شهید سپهبد قاسم سلیمانی، نظامی حرفه‌ای و متعهد به دفاع از کشورش در برابر هر تهدید خارجی بدون در نظر گرفتن هیچ ملاحظه داخلی بود. حاج قاسم سلیمانی در نبرد با دشمن و دفاع از مرزهای کشور، ایران را فارغ از جناح بندی‌ها و گرایش‌ها و اعتقادات مردم برای همه ایرانیان امن و آرام می‌خواست. او از دلبستگی‌های مرسوم و منافع و مواهبی مشابه آنچه نصیب بعضی همرزمان سابقش شده گذشت تا ما به دلمشغولی‌ها و زندگی و روزمرگی هایمان برسیم. حاج قاسم جنگید تا ما در ایرانِ در امان مانده از خشم و تعصب داعش، گاهی بر سر تعصب‌های بیهوده خشم‌مان را بر سرهم بریزیم. ایرانی که او زندگی و جانش را فدایش کرد کجاست؟ همان جایی است که با همه کاستی‌ها و خطاهای دولتمردانش، هنوز و همیشه کشورمان است، ایران جایی است که فارغ از تقسیم بندی‌های خودی و غیر خودی، همیشه خود را متعلق به آن می‌دانیم، ایران هنوز برای همه کسانی که بی‌توجه به گذشته و آنچه بر آنان گذشته برای حال و آینده‌اش نگران و دلسوزند و ارزش فداکاری و ماندن دارد.

و البته ایران جایی است که خیلی از آنها که به هردلیل ترکش کرده‌اند یا به آن پشت کرده‌اند هنوز هم شب‌ها چشم‌های بی‌خوابشان را به یادش و در غربتش تر می‌کنند، حتی اگر صبحش معدودی از آنها امثال مرا متهم به سازش یا ابتلا به سندروم استکهلم کرده باشند! که البته متهم شدن به سندروم استکهلم را با جان و دل می‌پذیرم و بر سر اعتقادم می‌مانم تا خدای نکرده به سندروم واشینگتن یا بدتر از آن سرطانِ بی‌وطنی مبتلا نشوم. ایران جایی است که همه آنها که دل در گرو ایران مقتدر و عزتمند دارند به بهانه شهادت حاج قاسم دوباره نقطه‌ای مشترک یافتند، با هر دیدگاه و گرایشی و این همه نه به خاطر منافع شخصی که برای نشان دادن قدرشناسی از نگاهبانان امنیت ملی و به نمایش گذاشتن اوج همبستگی ملی در کنار موضع رسمی حاکمیت گرد آمدند. اصلاً ایران همان جایی است که حاج قاسم ترسیم کرده بود و برای امنیت و استقلالش می‌جنگید، ایران همان جایی است که او همه دختران و پسران جوانش را بچه‌های خودش می‌دانست. جای افسوس گاهی آنقدر با هم غریبه شده‌ایم که جمع شدن‌مان حول یک نقطه مشترک حتی خودمان را حیرت زده می‌کند و جای امیدواری که هنوز می‌توانیم جمع شویم تا بدخواهان ایران را بهت زده و عصبانی کنیم.

معتقدم همانقدر که دادن پاسخی مقتدرانه و درخور جنایت امریکا مطالبه ایرانیان است، بی‌شک انسجام و مدارا و به رسمیت شناختن و آزاد بودن دیدگاه‌های منتقد و جمع و نزدیک کردن همه نیروهای دلسوز و معتقد به منافع ملی و جمهوری اسلامی مردم شادکن خواهد بود. مردمی که نشان داده‌اند در همه مواقع حساس با وجود برخی بی‌مهری‌ها و بی‌توجهی‌ها همیشه پای کشور و حفظ نظام محکم ایستاده‌اند. همان منافع ملی که حاج قاسم برای حفظش جانش را فدا کرد. همچنان‌که برای پاسخ محکم و سخت به امریکا منتظر و پشتیبان تصمیم حاکمیت هستیم برای زمینه‌سازی انسجام و مدارای بیشتر در داخل و دلجویی از مردم نجیب و محروم نیز انتظار می‌کشیم.

حفظ این انسجام ملی و سرمایه اجتماعی مهم‌ترین گام برای پاسداشت آن چیزی است که سپهبد سلیمانی در حیات و شهادتش به‌دنبال آن بود: «منافع ملی».

اسطوره‌ها نمی‌میرند بلکه تکثیر می‌شوند و زنده می‌کنند

یادداشت

بهمن نامور مطلق
استاد دانشگاه شهید بهشتی

سلیمانی نشان داد که جهان از اسطوره تهی نشده است. او اسطوره‌ای در میان مردم عادی بود و هیچ‌گاه مردمی بودنش را فراموش نکرد. شهادت سلیمانی موجب شد تا چهره کریه استکبار عیان‌تر از هر زمانی برملا گردد و همه را به موضعگیری وادارد. او مانند آینه‌ای است که همه با شفافیت هر چه بیشتر نهاد خویش را در آن نظاره می‌کنند. شهادت رازیست که پیروان حسین (ع) بهتر از هر کسی می‌شناسند. آنهایی که سلیمانی را شهید کردند از اسرار شهادت ناآگاهند. خون سلیمانی بر زمین نریخته است بلکه در رگ‌های جوانان جاری شده است. خون سلیمانی خون‌ها را به جوش می‌آورد. این سنت تاریخ است که اسطوره‌ها نمی‌میرند بلکه تکثیر می‌شوند و زنده می‌کنند. بی‌تردید خون این شهید هزاران جوان را زنده‌تر و پویا می‌کند. شهادت سلیمانی گفتمان تازه‌ای را در کشور ایجاد می‌کند که بر همه واجب است از آن صیانت کنند. از مهم‌ترین ویژگی او فراجناحی و مردمی بودنش بود. مسئولان امر به جوانان و مردم رسیدگی کنند و از امانت‌هایی که در اختیارشان گذارده شده است به عدالت حفاظت نمایند.